

عنوان مقاله:

بررسی ارتباط آرا شلینگ و ملاصدرا در باب فلسفه و زیبایی شناسی

محل انتشار:

پنجمین کنفرانس بین المللی مطالعات میان رشته علوم انسانی و اسلامی ایران (سال: 1400)

تعداد صفحات اصل مقاله: 6

نویسنده:

احسان بیکی - دانشجوی کارشناسی ارشد رشته پژوهش هنر دانشگاه سیستان و بلوچستان

خلاصه مقاله:

ملاصدرا یکی از فلاسفه ای است که به مقوله زیبایی شناسی پرداخته است. دیدگاهی که او در این موضوع دنبال می کند دیدگاه وحدت وجودی است که در نهایت غیر از حق چیزی را موجود نمی داند و هستی را جلوه بی از جمال و نور حق می داند. ملاصدرا دیدگاه زیبایی شناسانه خود را بر اساس اهداف عرفانی تنظیم نموده و اگر از فلسفه و قوانین حکمت استفاده می نماید در نهایت به نتایج عرفانی می رسد. حال در باب تفسیر عشق، زیبایی و جمال در آثار او می توان برداشت های فلسفی هنر را جست و تفسیر نمود هرچند که ملاصدرا به صورت مستقل از آن صحبت نکرده است. و اما شلینگفیلسوفی است که مباحث فلسفه رمانتیک را مطرح کرد. او با داشتن فلسفه ذوقی به بیان مباحث نپرداخته و سعی در باز کردن مفاهیم جدید در فلسفه خود داشته است. میتوان از شلینگ به عنوان اولین کسی نام برد که تحقیقات وسیعی را بر روی قلمرو ناخودآگاه انجام داده و بیان نمادین را به آن نسبت داد و بی ارتباط نمی داند. اسطوره ها را شامل نیروهای ناخودآگاه دانسته و با طرح مفهوم ناخودآگاه، زمینه مناسب برای نقد سوژه و اندیشه تاملی را ایجاد کرده است. ملاصدرا در مبحث زیبایی شناختی به جمال خدا و صنعت اصلی هنر که به معبود برگردد و در مرتبه بالا تجلی یابد مبحثی جدیدی را گشود و البته فلاسفه غربی از جمله شلینگ به صورت جزئی با نوشتن کتب و رساله های زیبایی شناسی، فلسفه هنر و مخصوصا مکتب ایده آلیسم و رمانتیک، آرا را به اجمال معرفی و بازشناخت کردند حال با وجود تفاوت در فلسفه غرب و فلسفه اسلامی آیا تشابهاتی در مبحث رمانتیک، ایده آلیسم و زیبایی شناسی هست؟ و شلینگ و ملاصدرا در چه مباحثی منطبق و نزدیک به آرای یکدیگر سخن می گویند؟ که در این پژوهش مورد ارزیابی قرار می گیرد.

کلمات کلیدی:

شلینگ، ملاصدرا، زیبایی شناسی، فلسفه هنر

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1263944>

